

رابطه بین داشتن معنا در زندگی و رضایت از زندگی زناشویی

فاطمه گواهی جهان^۱

تاریخ پذیرش: ۸۷/۵/۱۲

تاریخ وصول: ۸۶/۹/۱۲

چکیده

این تحقیق به منظور تعیین رابطه بین داشتن معنا در زندگی و رضامندی از زندگی زناشویی در بین مراجعان به مراکز مشاوره در مقایسه با جمعیت عادی در شهر تهران انجام شده است. در این پژوهش ۹۰ زوج شامل ۴۵ زوج دارای رضامندی از زندگی زناشویی که به مراکز مشاوره مراجعه نکرده اند و ۴۵ زوج با رضامندی زناشویی پایین از میان مراجعان به مراکز مشاوره به صورت تصادفی انتخاب گردید.

این تحقیق با استفاده از روشهای تحقیق توصیفی و پس رویدادی اجرا گردید. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: پرسشنامه زناشویی (ENRICH) و پرسشنامه معناجویی. پایایی پرسشنامه های ذکر شده به ترتیب برابر با ۰/۹۵ و ۰/۹۱ محاسبه گردید. داده های جمع آوری شده با استفاده از آزمونهای آماری معناداری ضریب همبستگی، رگرسیون و t استودنت برای مقایسه میانگین دو گروه مستقل با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته های تحقیق حاکی از وجود رابطه معناداری بین معنا در زندگی و رضامندی از زندگی زناشویی به میزان $r = 0/78$ می باشد. همچنین میزان معنا در زندگی زوجینی که از زندگی زناشویی خود راضی بودند و به مراکز مراجعه نکرده بودند بیشتر از میزان معنا در زندگی زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره که از زندگی زناشویی خود راضی نبودند می باشد. یافته های دیگر پژوهش رابطه معناداری بین معنا در زندگی و سن، مدت زمان ازدواج، جنس، سطح تحصیلات، تعداد فرزندان، درآمد را نشان نداد.

واژگان کلیدی: معنای زندگی، زندگی زناشویی، رضامندی زناشویی، زوجین.

مقدمه

خانواده یکی از مهمترین نهادهای جامعه است که هر چه بادوام تر و محکم تر باشد جامعه نیز به تبع آن استوارتر و پایدارتر می شود. براساس دیدگاه اصالت وجود که به دشواری درست زندگی کردن در دنیای امروز تاکید می کند، انسانها در تلاش خود جهت به دست آوردن آسایش مادی که تکنولوژی پیشرفته به آنها عرضه کرده است پیوندهای خود را با خانواده و مذهب از دست می دهند، بنابراین در برابر الزامات هموائی اجتماعی فاقد ارزشهای حفظ کننده می شوند و دیگر انتخاب نمی کنند بلکه پیروی و تبعیت کرده در نتیجه خود واقعی خود را انکار کرده و دچار نوعی مرگ معنوی شده که در آن افراد دچار احساس بی معنایی در زندگی می کنند (بوتزین^۱ و همکاران ۱۹۹۳).

در واقع هر خانواده را باید سنگ زیربنای جامعه و کانون اصلی سنت، رسوم و ارزشهای والا و مورد احترام و شالوده مستحکم مناسبات پایدار اجتماعی و روابط خویشاوندی، مبدا بروز و ظهور عواطف انسانی و کانون صمیمانه ترین روابط میان افراد و مهد پرورش فکر، اندیشه، اخلاق و تعالی روح انسانی به حساب آورد.

در واقع خانواده نه تنها محل تامین نیازهای عاطفی، مادی، تکاملی و معنوی اعضای خود است، بلکه مبدا بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه ترین روابط و تعاملات بین فردی نیز هست و از آنجا که سلامت و بالندگی جامعه در گرو رشد و سلامت خانواده است، هیچ یک از آسیب های اجتماعی فارغ از تاثیر خانواده پدید نیامده است (ساروخانی ۱۳۷۰).

از آنجا که خانواده واحد اساسی جامعه می باشد بنابراین بقاء جامعه مستلزم بقاء خانواده است. هستی و حیات افراد از سوی خانواده و در خانواده است و هستی و قوام جامعه نیز به تشکل افراد بستگی دارد. از طرفی وجود محیط گرم و روح افزا و بالقوه خانواده امنیت خاطر هریک از افراد خانواده را بیشتر می کند و تکیه گاه مطمئنی برای ایجاد سکون و آرا مش افراد خواهد بود. عدم یا کاهش امنیت در خانواده و بی توجهی به

1. Bootzin

نیازهای عاطفی اعضاء می تواند زمینه ساز اضطراب، افسردگی، سرخوردگی، عدم اعتماد به نفس و احساس بی کفایتی، افزایش جرم و جنایت، انحرافات اخلاقی و سرانجام اعتیاد و خودکشی شود (صالحی ۱۳۷۸). بنابراین برای پیشگیری از فروپاشی خانواده شناسایی عوامل موثر بر رضامندی زناشویی که موجب استحکام خانواده می شود، امری ضروری است.

تحقیقات گذشته به عواملی نظیر سن، تحصیلات، احترام متقابل، مدت ازدواج و ارتباطات جنسی اشاره نموده اند. بررسی تحقیقات گذشته موید این است که تحقیقات اندکی درباره رابطه معنا در زندگی و رضامندی زناشویی انجام شده است به همین دلیل سوال اساسی این تحقیق این است که آیا بین رضایت از زندگی زناشویی و داشتن معنا در زندگی رابطه وجود دارد؟ دلیل عمده یا ضرورت انتخاب این مسئله عمدتاً این است که وجود معنا در زندگی افراد حائز اهمیت است و زندگی هر فرد که همان زندگی خانوادگی است حائز اهمیت فراوان است به نحوی که اکثر مردم در سراسر جهان زندگی خانوادگی را به عنوان مهمترین جنبه از زندگی در نظر گرفته اند. در اولین گزارش از مرکز تحقیقات تغییرات اجتماعی سکات وپرین (۱۹۹۴) مشاهده کرده اند که حوادث خانوادگی نسبت به سایر جنبه های زندگی به عنوان مهمترین عامل زندگی مردم محسوب می گردد. همچنین یک گزارش کمیسیون اروپایی اثبات کرده ست ۹۶٪ از مردم زندگی خانوادگی را به عنوان تنها جنبه مهم و با ارزش زندگی به حساب آورده و خانواده را محیط امن و مکان روبه رشد برای اعضاء آن می دانند. تبریزی (۱۳۸۳)، نشان دادروش زوج درمانی تلفیقی گروهی که در این تحقیق معنا درمانی یکی از روشهای درمانی به کار رفته برای زوجین بوده است، در کاهش نارضایتی زناشویی موثر است.

یانگ^۱ (۱۹۹۱) در پژوهشی در مورد رضامندی زناشویی نشان داد، تفاهم در اهداف زندگی از شاخص های مهم رضامندی زناشویی است.

1. Ying

کاسلو (۱۹۹۴) در تحقیقی که رابطه بین رضایت از زندگی زناشویی با داشتن فلسفه در زندگی در بین دو گروه زوجهای موفق و ناموفق زندگی زناشویی مورد پژوهش قرار گرفته بود. داشتن فلسفه در زندگی با رضامندی زناشویی مرتبط شناخته شد. جود و همکاران نشان دادند که استفاده کنندگان از ماری‌جوآنا و موادمخدر بیش از دیگران از فقدان معنی در زندگی رنج می‌برند (تبریزی، ۱۳۷۱)

حسن‌زاده (۱۳۷۸) نشان داد بین افسردگی و معنا بخش بودن زندگی رابطه منفی وجود دارد.

در زمینه عوامل موثر بر رضامندی زناشویی می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد. لانگهرست براساس تحقیقی که بر روی رضامندی زناشویی زنان کشیش انجام داد، نشان داد که رضامندی زناشویی تحت تأثیر اشتغال همسر قرار ندارد، اما داشتن فرزند بر رضامندی زناشویی شان مؤثر بود (لانگهرست،^۱ ۱۹۹۴).

شبانای حصار (۱۳۸۰) نشان داد که بیشترین میزان رضامندی زناشویی مربوط به زوجینی است که کمتر از ۵ سال از زندگی زناشویی آنها می‌گذرد و کمترین میزان رضامندی زناشویی مربوط به زوجینی است که ۵ تا ۱۰ سال از زندگی زناشویی آنها گذشته است. به همین ترتیب زوجینی که ۱۱ تا ۲۰ سال از زندگی زناشویی آنها گذشته است دارای رضامندی زناشویی معادل بوده و کسانی که مدت تاهل آنها ۲۰ سال به بالاست دارای رضامندی زناشویی می‌باشند. لویک^۲ (۱۹۹۲) زن و شوهر زمانی احساس رضایت از زندگی زناشویی دارند که شوهر در کارهای خانه همکاری کند و درآمد خانواده نیز افزایش یابد. رضایت زناشویی هنگامی که زن و شوهر از نقش زن در خانه انتظار نقش جنسیتی سنتی دارند پایین است.

یوگن^۳ و همکاران (۱۹۸۵) در پژوهشی ارتباط بین رضامندی زناشویی و درک تقسیم کارهای جاری منزل و نگهداری بچه‌ها را از دویدهاگاه نظری در چهار گروه از جامعه مورد

1. longhurst
3. yogen

2. Loike

تحقیق و بررسی قرار دادند، نتایج وجود روابط معنادار بین رضامندی زناشویی و درک توزیع کارخانه و نگهداری بچه در بین تمام گروههای مورد مطالعه را نشان می‌داد بک (۱۹۸۸) معتقد است که عدم درک متقابل یکی از نخستین عوامل اختلاف در ازدواج است نشانه‌های آن را اغلب در عباراتی نظیر «نمی‌فهمم که چرا چنین رفتاری دارد» مشاهده می‌کنیم. پس اگر خواسته‌های همسران را بفهمید و آنها را به طریقی برآورده سازید. می‌توانید به بهبود روابط زناشویی خود کمک کنید

ویگینز^۱ و همکاران (۱۹۸۳) نقش میزان درک همسر را در تعیین میزان رضامندی زناشویی خاطرنشان می‌سازند، و یافته‌هایشان نشان می‌دهد که زوجهایی که از شیوه‌های واکنش متقابل که ارتباط آنها را سهولت بخشیده و فهم آنها را در خصوص احساسات و عواطف یکدیگر بهبود می‌بخشد استفاده می‌کنند به احتمال زیاد رضایت بیشتری از زندگی زناشویی خود دارند.

پاتریک^۲ (۱۹۵۵) یکی از عوامل مؤثر در رضامندی از زندگی زناشویی را اعتماد نسبت به محبت همسر و رضایت خاطر از توجه محبت وی باید دانست.

گریف و مالهرب^۳ (۲۰۰۱) بین زنان و مردان در ادراک صمیمیت و رضایت زناشویی تفاوت وجود دارد. زنان بیش از مردان قادرند به طور بازتر درباره موضوع صمیمیت بحث کنند. همچنین یک ارتباط صمیمی زنان را به سوی رضایت و خشنودی بیشتر از رابطه زوجین سوق می‌دهد در صورتی که مردان اثرات رابطه صمیمی را فراتر و به حوزه‌های دیگری از عملکرد سوق می‌دهند.

وینچ (۱۹۷۴) می‌نویسد ترمن^۴ وابستگی شدید زن و شوهر را به خویشان و دوستان یکی از عواملی می‌داند که می‌تواند موجب کاهش رضایت زناشویی گردد.

سوئیتور (۱۹۹۴) در مطالعات خود که آثار مراقبت از اولیای سالمند را بر سطح رضامندی زناشویی (زن و شوهر) بررسی کرده، نشان می‌دهد که تغییرات در میزان

1. wiggins
2. mahlerp

2. Kivk Patvik
4. Terman

رضامندی زنان با تغییرات در حمایت عاطفی شوهران و ممانعت آنها از مراقبت والدینشان رابطه تنگاتنگ دارند.

دیکسون^۱ (۱۹۸۵) در ارزیابی خود در زمینه رضامندی جنسی و شادکامی زناشویی نشان داد که کسانی که در رضامندی جنسی نمرات بالایی اخذ کرده‌اند از زندگی زناشویی خود رضایت بالایی دارند.

سیلیمی^۲ (۲۰۰۱) صرف وقت و سایر تلاشها از قبیل گذران ایام تعطیلی، شرکت در کلاسهای فنی سازی ازدواج برای پایداری ازدواج لازم است.

مشیل (۱۹۷۱) زنانی بیشتر از زندگی زناشویی خود راضی هستند که در برنامه ریزی های مربوط به بودجه تعداد فرزندان، تجهیزات و وسایل مسکن، تحصیلات فرزندان با شوهرانشان مشارکت دارند. نتایج تحقیق در این زمینه نشان می‌دهد که رضایت زن از شوهر به قابل تعویض بودن نقشهای تصمیم‌گیری ارتباط دارد.

رأس و همکاران (۱۹۸۵) گزارش کردند، چنانچه شغل زن در خارج از خانه با موافقت همسرش باشد و مردان نیز به همسران شاغل خودشان در کارهای خانه کمک نمایند. اشتغال زن نمی‌توان روی نوع روابط خانوادگی تأثیر بدی بگذارد.

سیلیمان (۲۰۰۱) قرار دادن انتظارات واقعی به عنوان توقعات زندگی باعث پایداری ازدواج می‌شود. زوجین نمی‌توانند انتظار داشته باشند که همسرشان تمامی نیازهای هر دو را برآورده سازد، برای رفع نیازها، سازگاری مستمر و دائمی در مسائل فردی و دو جانبه لازم است.

جکسون (۱۹۹۸) تأثیر عفو را بر صمیمیت و اعتماد در روابط زناشویی بررسی کرد و وی ۲۰۱ نفر آزمودنی ۲۱ تا ۸۰ ساله را که به مدت یک سال یا بیشتر از زمان زندگی زناشویی آنها می‌گذشت مورد بررسی قرار داد و دریافت که به کاربردن بخشش در روابط جاری تأثیر معنی‌داری در میزان اعتماد در روابط میان فردی دارد.

1. Dixon

2. Siliman

سلیمانیان (۱۳۷۳) نشان داد میزان تفکرات غیر منطقی در افرادی که دارای نارضایتی زناشویی بودند بیشتر از افرادی بود که دارای رضایت زناشویی بودند.

امامی (۱۳۸۲) نشان داد که درمان شناختی رفتاری موجب کاهش افسردگی نارضایتی زناشویی زنان در زندگی شده است.

علیایی زند (۱۳۸۲) نشان داد بین آشفتگی و نارضایتی خانوادگی و اعتیاد رابطه وجود دارد.

صادقی فرد (۱۳۷۵) در پژوهش خود در دادگاههای عمومی به این نتیجه دست یافت که اعتیاد شوهر از اهم عواملی است که موجب بروز نارضایتی و اختلافات زناشویی می شود.

اهداف پژوهش

هدف کلی

عبارتست از بررسی ارتباط بین داشتن معنا در زندگی و رضایت از زندگی زناشویی در زوجین

اهداف فرعی

تعیین رابطه بین سن هریک از زوجین با داشتن معنا در زندگی

تعیین رابطه بین داشتن معنا در زندگی و طول مدت ازدواج

فرضیه های تحقیق

- ۱- بین رضایتمندی زناشویی و داشتن معنا در زندگی همبستگی مستقیم وجود دارد.
- ۲- بین مدت زمان ازدواج و میزان معنادار بودن زندگی همبستگی مستقیم وجود دارد
- ۳- میزان معنا در زندگی زوجین که به مراکز مشاوره مراجعه می کنند کمتر از میزان معنا در زندگی زوجینی است که به مراکز مراجعه نمی کنند.
- ۴- بین سن هر یک از زوجین و داشتن معنا در زندگی همبستگی مستقیم وجود دارد.

روش تحقیق

در این پژوهش دو روش توصیفی و پس رویدادی یا علی مقایسه ای بکار برده شده است. روش اخیر عمدتاً زمانی بکار گرفته می شود که متغیر مستقل (وجود معنا) قبل از اجرای تحقیق شکل گرفته است و بر خلاف طرحهای آزمایشی در این پژوهش پژوهشگر به دستکاری متغیر مستقل نمی پردازد. در این پژوهش وجود معنا در گروه مورد مقایسه قرار گرفته است.

جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش از دو گروه تشکیل شده است:

- ۱- جامعه اول: شامل کلیه مراجعین متاهل که مدت ۲ تا ۱۰ سال از ازدواجشان گذشته باشد و در سال ۱۳۸۳ به مراکز مشاوره و روان درمانی وابسته به سازمان ملی جوانان واقع در شهر تهران به منظور مشاوره خانوادگی مراجعه کرده اند و از رضامندی پایینی از زندگی زناشویی برخوردار بودند.
- ۲- جامعه دوم: شامل کلیه افرادی بود که با معرفی اعضای نمونه برای همکاری در این پژوهش اعلام آمادگی کردند.

روش نمونه گیری

حجم نمونه مورد پژوهش بر اساس فرمول کوکران ۴۵ زوج برای هر گروه (راضی و ناراضی) انتخاب شد.

۱-۲ به منظور انتخاب نمونه اول (آندسته از افرادی که از زندگی زناشویی خود ناراضی بودند) برای کلیه زوجهایی که در تابستان و پاییز سال ۱۳۸۳ به مراکز مشاوره شکيبا، روزبه، مهرافزا مراجعه نمودند آزمون انریچ و معنا به صورت جداگانه برای زن و شوهرها اجرا گردید و پس از نمره گذاری و امتیاز بندی آزمونهای اجرا شده هر یک از زوجین براساس میانگین آزمون انریچ (نمره ۴۰) به دو دسته ناراضی و راضی تقسیم شدند سپس از بین کلیه زوجهای ناراضی ۴۵ زوج به صورت کاملاً تصادفی انتخاب گردید.

۲-۲ نمونه دوم: به منظور انتخاب نمونه دوم (زوجهای عادی) از هریک از زوجهای ناراضی تقاضا شد حداقل ۵ زوج را در همسایگی خود معرفی نمایند، برای افرادی که آمادگی خود را اعلام نمودند آزمونهای انریچ و معنا اجرا گردید، سرانجام آندسته از آزمودنیهایی که از آزمون انریچ نمره بالاتر از ۴۰ کسب نمودند به عنوان گروه مقایسه مورد استفاده قرار گرفتند و در پایان ۴۵ زوج از بین افرادی که مطابق شرح فوق گروه بندی شدند به صورت تصادفی انتخاب گردید.

بنابراین روش نمونه گیری در این تحقیق در جامعه اول از نوع تصادفی ساده بوده و در جامعه دوم نمونه گیری در دسترس که از بین آنها نمونه به صورت تصادفی ساده انتخاب شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه رضامندی زناشویی انریچ: اصل پرسشنامه دارای ۱۱۵ سوال بوده و در ۱۲ مقیاس تهیه شده است که پاسخ آنها به صورت ۵ گزینه‌ای: کاملاً موافق، تا حدودی موافق، نه موافق و نه مخالف، تا حدی مخالف و کاملاً مخالف می‌باشد. سلیمانان (۱۳۷۳) با توجه به زیاد بودن سوالهای پرسشنامه (۱۱۵ سوال) که موجب خستگی بیش از حد آزمودنی‌ها می‌شد، تصمیم گرفت فرم کوتاهی از آن تهیه کند. برای این منظور ابتدا همبستگی هر یک از سوالها با کل پرسشنامه از طریق ضریب همبستگی محاسبه گردید. سپس ۴۷ سوال که از همبستگی نسبتاً بالایی برخوردار بودند انتخاب شدند. این انتخاب به طور مساوی از مقیاس‌های مختلف پرسشنامه صورت گرفت و به این ترتیب در مجموع ۴۷ سوال انتخاب شد که مجدداً ضریب پایایی فرم ۴۷ سوالی بر روی یک گروه ۳۰ نفری با استفاده از ضریب آلفا محاسبه گردید و ضریب اعتبار ۰/۹۵ به دست آمد. در این مطالعه از فرم کوتاه ۴۷ سوالی استفاده گردید.

پرسشنامه معناجویی در زندگی توسط صالحی (۱۳۷۴) تهیه و تدوین گردید که شامل ۵۰ سوال در ارتباط با بی معنایی زندگی می‌باشد که بر اساس نظریه دکتر فرانکل تهیه و تدوین شده است و هر سوال ۷ ارزش به خود می‌گیرد که پاسخ دهنده با توجه به میزان

تأیید یا رد هر سوال ارزشهایی از یک تا هفت را به هر سوال می دهد. ارزش ۱ نشانگر عدم توافق کامل با سوال مورد پرسش قرار گرفته می باشد و به ترتیب هر چقدر میزان توافق بیشتر بود ارزشهای بیشتری می توانست مورد انتخاب قرار گیرد و ارزش نمایانگر توافق کامل با متن سوال مورد پرسش می باشد.

اعتبار (validity) پرسشنامه معنای جویی در اختیار هفت نفر از اساتید دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی گذاشته شده و تمام آنها اعتبار محتوایی و صوری پرسشنامه را تأیید کردند. البته هر یک از اساتید پیشنهادهایی جهت افزایش صحت و دقت و اعتبار پرسشنامه ارائه کردند که بر اساس پیشنهاد های مطرح شده اصلاحات لازم بعمل آمد، در نتیجه پس از اطمینان از معتبر بودن آزمون مورد استفاده قرار گرفت. جهت بررسی پایایی پرسشنامه معاینه شدن زندگی آزمون مورد بحث با نظر استاد مشاور برای ۳۰ نفر اجرا گردید. پایایی آزمون با استفاده از روش کرانباخ و بوسیله نرم افزار Spss محاسبه و مقدار آن برابر ۰/۹۱ گردید.

روش آماری تجزیه و تحلیل داده ها

تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد.

در قسمت توصیفی اطلاعات بدست آمده با استفاده از شاخصهای آمار توصیفی خلاصه و طبقه بندی شده است و فراوانی و درصد آنها مشخص گردیده است. و در قسمت استنباطی آزمون معنادار بودن اختلاف بین میانگینها و ضریب همبستگی اجرا شده است.

تجزیه و تحلیل اطلاعات در قالب فرضیه های پژوهش

جدول ۱: ضرایب همبستگی بین میزان معنا و سن ، مدت زمان ازدواج، تعداد فرزند،

سطح تحصیلات و درآمد

تعداد	درآمد	سطح تحصیلات	تعداد فرزند	مدت ازدواج	سن	
۱۸۰	-/۰۹۲	-/۰۸۲	۰/۰۱	۰/۰۵۷	-/۰۹۳	میزان معنا (کلی)

میزان معنای زنان	-/۱۰۰	۰/۰۰۹	۰/۰۱۵	-/۰۰۹۱	-/۱۲۲	۹۰
میزان معنای مردان	-/۰۶۳	۰/۰۰۸	۰/۰۰۴	-/۰۳۵	-/۰۵۷	۹۰

فرضیه اول

"بین مدت زمان ازدواج و میزان معنی داشتن در زندگی همبستگی مستقیم وجود دارد." اطلاعات جدول شماره ۵ میزان همبستگی بین میزان معنی داشتن در زندگی و مدت زمان ازدواج را نشان می دهد می توان چنین بیان نمود که بین میزان معنا در زندگی و مدت زمان ازدواج همبستگی مثبت وجود دارد به منظور تعیین معنادار بودن ضریب همبستگی محاسبه شده آزمون t استیودنت اجرا گردید چون t محاسبه شده کوچکتر از t استخراج شده از جدول با درجات آزادی $d.f=88$ است بنابراین فرضیه صفر تایید می شود و با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه می گیریم که بین متغیرهای مورد بحث همبستگی معناداری وجود ندارد.

جدول ۲: ضریب همبستگی بین رضایت از زندگی زناشویی و معنای زندگی.

Pvalue	تعداد	معنای زندگی	
۰/۰۰۰	۱۸۰	۰/۷۸۷	رضایت از زندگی زناشویی

فرضیه دوم

"بین رضایت از زندگی زناشویی و داشتن معنا در زندگی همبستگی مستقیم وجود دارد." با توجه به اطلاعات جمع آوری شده در جدول فوق بین رضایت از زندگی زناشویی و معنای زندگی همبستگی مستقیم وجود دارد $r=0.787$ به این معنا که هر چقدر زندگی دارای معنا باشد میزان رضایتمندی زناشویی بیشتر خواهد شد. به منظور تعیین معنادار بودن ضریب همبستگی محاسبه شده آزمون t اجرا گردید. چون t محاسبه شده بزرگتر از t

جدول با درجات آزادی $d.f=178$ است بنابراین فرضیه صفر رد می شود و با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه می گیریم بین این دو متغیر همبستگی وجود دارد و فرضیه دوم پژوهش تایید می گردد.

فرضیه سوم

"بین سن هر یک از زوجین و داشتن معنا در زندگی همبستگی مستقیم وجود دارد" با عنایت به تحلیل های انجام شده در جدول شماره (۱) که میزان همبستگی بین میزان معنا داشتن در زندگی و سن را نشان می دهد می توان چنین بیان نمود که بین سن و میزان معنا در زندگی همبستگی مثبت وجود دارد به منظور تعیین معنادار بودن ضریب همبستگی محاسبه شده آزمون t استیودنت اجرا گردید چون t محاسبه شده کوچکتر از t استخراج شده از جدول با درجات آزادی $d.f=88$ است بنابراین فرضیه صفر تایید می شود و با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه می گیریم که بین متغیرهای مورد بحث همبستگی معناداری وجود ندارد. و فرضیه سوم پژوهش تایید نمی گردد.

جدول ۳: مقایسه میزان معنا در بین زوجین دو گروه و شاخصهای آماری محاسبه شده

t	d.f	n	S	\bar{X}	شاخصها گروه ها
-۱۵/۹۲	۸۸	۴۵	۳۶/۲۳	۱۸۴/۵۳	گروه (۱) زوجین که به مراکز مشاوره مراجعه می کنند
		۴۵	۱۷/۰۶	۲۷۹/۶۳	گروه (۲) زوجین که به مراکز مشاوره مراجعه نمی کنند

فرضیه چهارم

میزان معنا در زندگی زوجین که به مراکز مشاوره مراجعه می کنند کمتر از میزان معنا در زندگی زوجین است که به مراکز مراجعه نمی کنند.

همانطوری که در جدول فوق مشاهده می شود میانگین معنا در گروهی که به مراکز مشاوره مراجعه می کنند کوچکتر از میانگین معنا از زوجینی است که به این مراکز مراجعه نکرده اند.

به منظور معنادار بودن اختلاف بین میانگینهای مورد مقایسه آزمون مقایسه دو میانگین مستقل اجرا گردید. چون قدر مطلق مقدار t محاسبه شده (۱۵/۹۲-) بزرگتر از t استخراج شده از جدول با درجات آزادی ۸۸ و در سطح ۰/۰۱ است بنابراین با عنایت به حالت سوم آزمون فرضیه و با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه می گیریم اختلاف بین میانگینهای مورد مقایسه معنادار است به عبارت دیگر با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفته می شود که میانگین معنا در زندگی زوجینی که به مراکز مشاوره مراجعه می کنند کمتر از میزان معنا در زندگی زوجینی است که به مراکز مراجعه نمی کنند.

جدول ۴: تحلیل رگرسیون.

منابع تغییر	SS	d.f	MS	F	s.g
رگرسیون	۹۲۸۷۷/۶۹	۱	۹۲۸۷۷/۶۹	۲۸۷/۰۶	۰/۰۰۰
باقیمانده	۵۶۹۴۴/۱۲	۱۷۶	۳۲۳/۶۴		
جمع کل	۱۴۹۸۲۱/۸۲	۱۷۷			

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول فوق با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفته می شود که رگرسیون محاسبه شده معنادار است.

معادله رگرسیون در این مرحله به شرح زیر است:

$$Y = 65/13 + 0/40X$$

(معنا داشتن در زندگی) = $65/13 + (0/40)$ رضایت از زندگی زناشویی

چون هیچکدام از متغیرهای مطرح شده به عنوان پیش بینی کننده در مراحل بعدی وارد معادله پیش بینی نشد بنابراین عمل وارد کردن متغیر به داخل معادله پیش بینی در این مرحله خاتمه پیدا کرد و متغیر معنا داشتن در زندگی به تنهایی ۶۲ درصد $[100)$ $(0/787)$ از متغیر ملاک یعنی رضامندی از زندگی زناشویی را تبیین می کند.

جدول ۵: مقایسه میزان معنا بین زنان و مردان در دو گروه و شاخصهای آماری محاسبه شده

t	d.f	n	S	\bar{X}	شاخصها	
					گروه ها	
۱۶/۲۰	۸۸	۴۵	۳۶/۹۶	۱۸۲/۳۲	مردان	ناراضی زناشویی
		۴۵	۱۷/۸۴	۲۸۱/۵۱		رضایتمند زناشویی
۱۲/۸۹	۸۸	۴۵	۴۱/۶۴	۱۸۶/۷۳	زنان	ناراضی زناشویی
		۴۵	۲۲/۵	۲۷۷/۷۵		رضایتمندی زناشویی

همانطور که مشاهده می شود میانگین معنا در میان مردان و زنان در گروه دوم (افرادی که از زندگی زناشویی خود راضی هستند) بالاتر از گروه اول می باشد، جهت مشخص کردن اینکه آیا تفاوت بین دو گروه در عامل معنا از نظر آماری معنا دار است یا ناشی از شانس (تصادف) می باشد از آزمون t مستقل استفاده گردید. بر اساس نتایج بدست آمده با توجه به اینکه t محاسبه شده در بین زنان در دو گروه $t=12/89$ بزرگتر از t استخراج شده از جدول با $d.f=88$ است بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان اختلاف بین دو میانگین معنادار است و همچنین با توجه به اینکه t محاسبه شده در بین مردان در دو گروه $t=16/20$ بزرگتر از t استخراج شده از جدول با درجات آزادی $d.f=88$ است بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان اختلاف بین دو میانگین معنادار است.

بحث و بررسی یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده نشان داد، از نظر سن بیشترین فراوانی مردان در دامنه سنی ۳۱-۳۵ سال و اکثریت زنان در دامنه سنی ۲۵-۳۰ سال قرار داشتند. از نظر تعداد فرزند بیشترین فراوانی در زوجین مورد بررسی در هر دو گروه دارای یک فرزند و کمترین در هر دو گروه چهار فرزند بودند. از نظر مدت زمان ازدواج بیشترین فراوانی مربوط به ده سال و کمترین فراوانی مربوط به طول مدت ازدواج برای ۴ سال زندگی مشترک بوده است. بالاترین فراوانی میزان درآمد در دو گروه مربوط به درآمد بین ۵۰۰-۷۰۰ هزار

تومان بوده است. همچنین نتایج بررسی یافته‌ها در رابطه با تک‌تک فرضیه‌ها به شرح زیر می‌باشد:

همانطور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود نتایج بدست آمده از تحلیل نشان داد همبستگی بدست آمده $r = 0/57$ از نظر آماری معنادار نمی‌باشد، در نتیجه فرضیه اول این تحقیق مورد تأیید قرار نگرفت، بدین معنی که معنا داشتن در زندگی با اینکه چه مدت از زندگی زناشویی گذشته باشد ارتباطی ندارد در واقع دسترسی به معنی در زندگی صرف نظر از مدت زمان زندگی مشترک امکان‌پذیر است، این یافته را می‌توان با عنایت به پیشینه تحقیق در فصل ۲ با اظهار نظر فرانکل (۱۳۷۱) مبنی بر اینکه معنی‌جویی در نهاد بشر نهفته است، جستجوی معنا در هر یک از موقعیتهای زندگی امکان‌پذیر است و از آنجائیکه هر یک از موقعیتهای زندگی منحصر به فرد هستند چنین القا می‌شود که معنای یک موقعیت نیز باید منحصر به فرد باشد. از آنجا که معنی‌ها منحصر به فرد هستند همواره در حال تغییرند، اما هرگز از بین نمی‌روند. زندگی هرگز فاقد معنی نیست. دسترسی به معنی برای همه امکان دارد، توجیه کرد. بدین معنی که هر چند با ازدواج فرد مسئولیت بیشتری تقبل کرده و با گذشت سالهای ازدواج این امکان هست که فرد با موقعیتهای بیشتری در زندگی روبرو شود از قبیل داشتن فرزند و هدفهای مربوط به زندگی مشترک اما این موارد دلیل ارتباط بین معنا و طول سالهای ازدواج نمی‌باشد بلکه فرد در هر دوره‌ای از زندگی باشد دسترسی به معنی برای او امکان‌پذیر است.

با توجه به تحقیقات چنین استنباط می‌شود که در طول سالهای ازدواج میزان رضامندی زناشویی نیز تغییر می‌کند و ارتباط مستقیم ثابتی ندارد. شبانی حصار (۱۳۸۰) نشان داد که بیشترین میزان رضامندی زناشویی مربوط به زوجینی است که کمتر از ۵ سال است که از زندگی زناشویی آنها می‌گذرد و کمترین میزان رضامندی زناشویی مربوط به زوجینی است که ۵ تا ۱۰ سال از زندگی زناشویی آنها گذشته است. به همین ترتیب زوجینی که ۱۱ تا ۲۰ سال از زندگی زناشویی آنها گذشته است دارای رضامندی زناشویی معادل بوده و کسانی که مدت تاهل آنها ۲۰ سال به بالاست دارای رضامندی زناشویی می‌باشند.

می‌توان چنین استنباط کرد که بطور کلی طول مدت ازدواج عامل تعیین کننده‌ای در معنای زندگی و همچنین رضامندی زناشویی نمی‌باشد بلکه واکنش افراد به هر یک از موقعیتهای زندگی در هر مرحله از دوره زندگی مشترک تعیین کننده‌تر است.

با عنایت به اطلاعات جدول شماره ۲ با ۹۹ درصد اطمینان ضریب همبستگی بین رضایت از زندگی زناشویی و داشتن معنا در زندگی $r = 0/78$ و معنادار گردید. به این معنی که هر چقدر معنا در زندگی بیشتر وجود داشته باشد. میزان رضامندی از زندگی زناشویی افزایش پیدا می‌کند با دستیابی به این نتیجه فرضیه دوم این تحقیق تایید می‌شود.

این یافته با نظر یانگ (۱۹۹۱) که در پژوهشی در مورد رضامندی زناشویی نشان داد، تفاهم در اهداف زندگی از شاخص‌های مهم رضامندی زناشویی است، همسو می‌باشد.

همچنین با پژوهش تبریزی (۱۳۸۳)، که نشان داد روش زوج درمانی تلفیقی گروهی او که معنا درمانی یکی از روشهای درمانی به کار رفته برای زوجین بوده است، در کاهش نارضایتی زناشویی موثر است. همسو می‌باشد همچنین با توجه به نظریه‌های موجود و تحقیقات گذشته در تبیین این فرضیه می‌توان به صورت غیر مستقیم اینطور اظهار نظر کرد که با توجه به اینکه از نظر فرانکل (۱۹۷۹) پیامدهای فقدان معنا در زندگی تشکیل مثلث افسردگی، اعتیاد و خشونت می‌باشد چنانکه در تأیید این موضوع تحقیق حسن‌زاده (۱۳۷۸) نشان داد بین افسردگی و معنا بخش بودن زندگی رابطه منفی وجود دارد.

همچنین جود و همکاران نشان داد که استفاده کنندگان از ماری‌جوآنا و مواد مخدر بیش از دیگران از فقدان معنی در زندگی رنج می‌برند (فریاد ناشنیده برای معنا ۱۳۷۱)

و دکتر بتی یدلفورد (۱۹۷۳) اظهار می‌دارد بدون هیچ تردیدی رابطه مهم و معنی‌داری بین استفاده از مواد مخدر و نداشتن معنا در زندگی مشاهده می‌شود. بنابراین کسانی که دچار افسردگی، اعتیاد و خشونت هستند {با توجه به تحقیق نگارنده که بین معنای زندگی و رضامندی زناشویی رابطه وجود دارد} رضامندی زناشویی پایینی را نشان خواهند داد.

در تایید این بیان؛ آیرامسون، سلیگمن (۱۹۹۳) نشان دادند که تغییر در میزان افسردگی در بالا رفتن میزان رضایت زناشویی تأثیر دارد.

اسویت من (۱۹۹۹) نشان داد بین رضایتمندی زناشویی و افسردگی رابطه معنادار وجود دارد علیایی زند (۱۳۸۲) نشان داد بین آشفتگی و نارضایتی خانوادگی و اعتیاد رابطه وجود دارد. صادقی فرد (۱۳۷۵) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که اعتیاد شوهر از اهم عواملی است که موجب بروز نارضایتی و اختلافات زناشویی می‌شود. در نتیجه با توجه به این تحقیقات می‌توان چنین استنباط کرد که فقدان معنا در زندگی موجب نارضایتی و اختلافات زناشویی می‌گردد.

به منظور تعیین درصد واریانسی که این متغیر برای رضامندی از زندگی زناشویی تبیین می‌کند، تحلیل رگرسیون اجرا گردید. نتایج حاصله از این تحقیق نشان داد که داشتن معنا در زندگی ۶۲ درصد از تغییرات رضامندی را تبیین می‌کند.

با عنایت به نتایج تحلیل بدست آمده در جدول شماره ۱ بین داشتن معنا در زندگی و سن همبستگی معناداری وجود ندارد، همچنین بین داشتن معنا در زندگی زنان و سن زنان و داشتن معنا در زندگی مردان و سن مردان نیز همبستگی معناداری مشاهده نگردید. $r=0/093$ و در نتیجه فرضیه سوم این تحقیق مورد تایید قرار نگرفت، در واقع با بالا رفتن سن که موجب تفکر عمیق‌تر در زندگی و کسب تجربیات بیشتری در رویارویی با موقعیتهای زندگی می‌شود، در یافتن معنای زندگی نقش تعیین کننده‌ای ندارد.

این یافته با تحقیقات کرامباف، یانگ، دارلاک کاسیکانی که با تحقیقات خود نشان دادند دسترسی به معنی بدون توجه به سن برای همگان امکان‌پذیر است همسو نمی‌باشد. همچنین با نظر مازلو مبنی بر اینکه نیاز به معنی از جمله فرایندها بعد از خودشکوفایی پدید می‌آید و خود شکوفایی معمولاً تا دوره‌ای میانسالی در فرد به وجود نمی‌آید مطابقت دارد. و نیز با نظر یونگ مبنی اینکه جستجوی معنی در دوره دوم زندگی (میانسالی تا پیری) پدید می‌آید از این نظر معنا با سن در ارتباط است مطابقت دارد.

همانطور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود میانگین معنا در زوجینی که به مراکز مشاوره مراجعه کرده‌اند کمتر از میزان معنا در زندگی زوجینی است که به این مراکز مراجعه نکرده‌اند. به منظور آزمون اختلاف بین این میانگینها t استیودنت (آزمون مقایسه دو میانگین مستقل) اجرا گردید نتایج بدست آمده نشان داد که با ۹۹ درصد اطمینان اختلاف

بین میانگینهای مورد مقایسه معنادار است به همین دلیل با توجه به اطلاعات جمع آوری شده و با عنایت به معنادار شدن اختلاف بین میانگینهای مورد مقایسه با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفته می شود میزان معنا در زندگی زوجینی که به مراکز مشاوره مراجعه کرده اند کمتر از میزان معنا در زندگی زوجینی است که به این مراکز مراجعه نکرده اند. به عبارت دیگر با ۹۹ درصد اطمینان فرضیه چهارم این تحقیق تایید می شود.

از مقایسه آزمون این فرضیه و نتیجه ای که بدست آمده است با تحقیق کاسلو (۱۹۹۴) که در آن رضایت از زندگی زناشویی با داشتن فلسفه در زندگی در بین دو گروه زوجهای موفق و ناموفق زندگی زناشویی مورد پژوهش قرار گرفته بود. می توان مطابقت این نتیجه را با نتایج بدست آمده به وسیله این پژوهشگر استنباط نمود.

با توجه به یافته های این فرضیه استنباط می شود افرادی که به مراکز مراجعه کرده بودند از زندگی زناشویی خود رضایت نداشتند. معنای زندگی شان هم کمتر بوده است. در نتیجه ارتباط بین معنا داشتن در زندگی و رضامندی زناشویی پررنگ تر جلوه می کند.

نتیجه گیری

خانواده یکی از مهمترین نهادهای جامعه است که هر چه بادوام تر و محکم تر باشد جامعه نیز به تبع آن استوارتر و پایدارتر می شود. طبق نظر دیدگاه اصالت وجود که به دشواری درست زندگی کردن در دنیای امروز تاکید می کند، انسان ها در تلاش خود جهت به دست آوردن آسایش مادی که تکنولوژی پیشرفته به آنها عرضه کرده است پیوندهای خود را با خانواده و مذهب از دست می دهند، بنابراین در برابر الزامات هموائی اجتماعی فاقد ارزشهای حفظ کننده می شوند و دیگر انتخاب نمی کنند بلکه پیروی و تبعیت کرده در نتیجه خود واقعی خود را انکار کرده و دچار نوعی مرگ معنوی شده که در آن افراد دچار احساس بی معنایی در زندگی می کنند (بوتزین و همکاران ۱۹۹۳). با توجه به این مساله خانواده در سلامت روحی اعضاء خود تأثیری مستقیم دارد و با توجه به اهمیتی که جوامع امروزی برای تداوم و بقاء خانواده و سلامت و بهداشت روحی، روانی اعضاء آن قائل هستند، بررسی و تحقیق بر روی عواملی که سلامت روح و روان اعضاء خانواده را تهدید

می‌کند کاملاً ضروری می‌باشد. از میان عوامل موثر بر خانواده عاملی که اخیراً توجه روان‌شناسان را به خود جلب نموده مبحث هدف در زندگی و معنا در زندگی می‌باشد که در این پژوهش تحت عنوان: بررسی ارتباط بین معنا در زندگی و رضایت از زندگی زناشویی در میان مراجعین به مراکز مشاوره و روان‌درمانی در مقایسه با جمعیت عادی در شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌های بدست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که بین داشتن معنا در زندگی و رضامندی زناشویی زنان و مردان و زوجین رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی داشتن معنا در زندگی می‌تواند نقشی در رضامندی زناشویی و در نتیجه بهداشت روحی، روانی زوجین داشته باشد.

این یافته در بین زوجین که از زندگی زناشویی خود رضایت پایین داشته‌اند و به مراکز مشاوره مراجعه کرده‌اند کاملاً مشخص است که زندگی خود را در مقایسه با زوجینی که به مراکز مشاوره مراجعه نکرده بودند و از زندگی زناشویی خود راضی بودند کمتر معنادار یافتند. همچنین مشخص شد که عامل سن هر یک از افراد و طول مدت ازدواج و همچنین میزان تحصیلات، میزان درآمد، تعداد فرزند تأثیری در داشتن یا نداشتن معنای زندگی در زوجین نداشته است. می‌توان چنین نتیجه گرفت که با هر شرایط سنی و هر نوع میزان تحصیلات و میزان درآمد و هر چند سال که از زندگی مشترک افراد می‌گذرد و دارای هر تعداد فرزند که باشند داشتن معنا برای آنها قابل دسترسی است و وجود یا عدم وجود معنا در زندگی آنها بستگی به خود افراد دارد که در هر مرحله و هر موقعیتی از زندگی، آن را چگونه ببینند و از زندگی چه بخواهند و مسئولیت زندگی کردن خود را به دوش بکشند.

منابع

- برنشتاین فیلیپ، برنشتاین مایمی، ترجمه پورعابدی نائینی ۱۳۸۰.
 تبریزی، مصطفی ۱۳۸۳. بررسی و مقایسه اثر بخشی گروه درمانی تلفیقی زوجها مساحت درمانی گروهی یک و کتاب درمانی در کاهش نارضایتی زناشویی پایان‌نامه دکتری مشاوره.

- ثنایی، باقر (۱۳۷۹)، *مقیاس‌های سنجش خانواده*. انتشارات بعثت.
- جلیلی، فریبا، (۱۳۷۵) *بررسی مقایسه عوامل موثر در رضامندی زنان شاغل، پایان‌نامه* کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- حسن‌زاده، رمضان. (۱۳۷۸). *بررسی رابطه بین افسردگی و معنا بخش بودن زندگی* رساله دکتری روانشناسی عمومی PH.D دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- دلاور، علی. (۱۳۷۹). *احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: انتشارات رشد.
- دلاور، علی. (۱۳۷۴). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: انتشارات رشد.
- سارتر، ژان پل. (۱۳۸۴). *اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر*، ترجمه مصطفی رحیمی. تهران: انتشارات مروارید.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات سروش.
- سلیمانیان، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). *بررسی تاثیر تفکرات غیر منطقی بر نارضایتی زناشویی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- شولتز دوان. (۱۳۷۷). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یوسف کریمی و دیگران. تهران: انتشارات ارسباران.
- شبنانی حصار، حمید. (۱۳۷۹). *رابطه بین پایگاه اقتصادی، اجتماعی زوجین با میزان رضامندی زناشویی* پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صالحی، مهدیه. (۱۳۷۴). *بررسی مسائل نوجوانان و جوانان ایران از دیدگاه روانشناسی انسان‌گرا*. رساله دکتری چاپ نشده دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- صالحی فدری، جواد (۱۳۷۸) *پژوهش رضامندی زناشویی تازه‌های روان درمانی*.
- فرانکل، ویکتور (۱۳۶۴)، *انسان در جستجوی معنی* ترجمه اکبر معارفی، انتشارات دانشگاه تهران، به زبان اصلی (۱۹۶۷).
- هی‌لی، جی، ترجمه ثنایی ۱۳۷۹، *روان درمانی خانواده*، چاپ ششم، انتشارات امیرکبیر.

Beck A. (1988). *love is Never Enough*. New yourk. Harperand Row.

Kaslow, florencew (dec, 1999). *Long term marriagein Sweden and some comparsions with similar couples in the united state*.

- Bootzin, Richard R. acocella, Joan Ross, and Alloy, Learn B . (1993).
 Abnormal psychology: current perspectives. Six thedition. Mcgraw
 Hill Jnc.
- Patrik, kivk. (1955). The family as process and in station newyork,
 ronaled press company. P. 109.
- Seligman, E. P. walker, F. F. & Rosenhan, D.L. (2001) . Abnormal
 psychology. (4 ed) newyork: north & com poony.
- Suitor, j- jillpillemer, kav1 (1994). Family caregiving and marital
 satisfaction. *Journal of marriage and the family*. Vol5 (3) .
- Ying- yv-wen. (1991). marital satisfaction among Sanfrancisco
 Chinnese Americans. *Journal of social psychiatry vol.* (3) pp 201-
 213.
- Yogen, sara . (1986) . Relationships between stressand marital satis-
 faction among dual- eavner couples. *Journal of women therapy*. Vol
 5 . (9-3) .